



داکتر سید عبدالله کاظم

7 جون 2016

## تاچه وقت دیگران لقمه را در دهان ما کنند؟

هر روز سری به روزنامه های کابل می زنم و بعضی نوشته های مهم را پس از مطالعه کاپی گرفته و در آرشیف شخصی خود نگه میدارم و بعضی نوشته ها را نظر به اهمیت و محتوای آن به هدف مزید معلومات برای علاقمندان در فیسبوک و یا پورتال وزین افغان جرمن آنلین با ایزاد بعضی تبصره ها باز نشر میکنم. به همین سلسله امروز هم مقاله دلچسپی را که بقلم محترم فردوس در روزنامه وزین 8 صبح نشر شده است، با یک تبصره کوتاه در ختم آن مقاله خدمت علاقمندان عزیز این پورتال تقدیم میدارم (اینک متن مقاله):

### الگوی بازسازی هند

فردوس - دوشنبه ۱۷ جوزا ۱۳۹۵

هند الگوی موثری از بازسازی را در افغانستان به نمایش گذاشته است. این الگو به سود افغانستان است و همچنان از فساد مالی و اداری جلوگیری می کند. هند پروژه را تکمیل می کند و به دولت افغانستان تحویل می دهد. هند بند سلما را ساخت و وقتی که پروژه تکمیل شد و به بهره برداری رسید، آن را به جانب افغانستان سپرد. دولت هند با یک شرکت هندی پروژه را قرارداد کرده بود. شرکت هندی هم به دولت هند حسابده بود. به همین خاطر میزان حیف و میل در آن به حداقل رسیده بود. این الگو در گذشته هم در افغانستان توسط کمک کنندگان به کار گرفته می شد.

روس ها، چینی ها و آلمانی ها هم در زمان سلطنت ظاهرشاه به همین روش عمل می کردند. مثلاً روس ها بند سرده غزنی را اعمار کردند و وقتی پروژه به بهره برداری رسید، آن را به جانب افغانستان سپردند. آلمان پروژه اعمار بند برق سروبی را به همین شکل تطبیق کرد. چینی ها پروژه کانال آبیاری ولایت پروان را ساخته و تسلیم دولت افغانستان کردند. امریکایی ها هم در سال ۱۹۵۲ پروژه بزرگ اعمار بند کجکی را به همین شیوه تطبیق کردند و به دولت افغانستان سپردند.

اما در ۱۵ سال گذشته، کشورهای عضو ناتو که بار بزرگ بازسازی افغانستان را بر دوش داشتند، به این روش عمل نکردند. کشورهای عضو ناتو مثلاً قرارداد اعمار جاده ها را به شرکت های شناخته شده می دادند، بعد این شرکت ها این قرارداد را به شرکت های کوچکتری می سپردند و در نهایت قرارداد به

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

شرکتی می‌رسید که ظرفیت تخنیکي لازم را همچنان در جریان دست به دست شدن قراردادها فساد مالی نیز به وجود می‌آید و در نهایت مقدار ناچیز پول تعهدشده صرف پروژه می‌شود. ضایع شدن پول سبب می‌شود که پروژه ناقص تطبیق شود. از آنجایی که دولت‌های کمک‌کننده نظارت مستقیم بر کار شرکت تطبیق‌کننده‌ی پروژه نداشتند، کیفیت کار به شدت افت می‌کرد.

نهادهای دولتی افغانستان هم که مسوولیت نظارت از تطبیق پروژه‌ها را به دوش دارند، نیز خیلی آلوده به فساداند. شرکت‌هایی که پروژه‌ها را تطبیق می‌کردند، مقداری پول در جیب کارمندان فاسد نهادهای دولتی می‌ریختند و کارمندان هم قید نظارت را می‌زدند. روشن است که چنین پروژه‌های خیلی ناقص تطبیق می‌شود و در کوتاهمدت از بین می‌رود. جاده‌ها و بزرگراه‌هایی که از پول مالیات شهروندان کشورهای عضو ناتو ساخته شد، به زودی خراب شد. کسی نمی‌تواند ضعف‌های وزارت فواید عامه و بخش حفظ و مراقبت سرک‌های این وزارت را رد کند. اما بُعد دیگر قضیه این است: پروژه‌هایی که قراردادها آن دست به دست می‌شد، خیلی ناقص تطبیق شدند.

در این هم تردیدی نیست که بیشتر وزارت‌خانه‌های حکومت افغانستان، توانایی طراحی و تطبیق پروژه‌ها را ندارند. بسیاری از وزارت‌خانه‌ها از ایفای نقش خود عاجزاند، حتا می‌توان مدعی شد که مجموع نهاد دولت در افغانستان از ایفای نقش و کارکرد «دولت» در این سرزمین ناتوان است. به همین دلیل است که کشورهای بزرگ دنیا، کشورهای که حکومت‌های آن به پارلمان‌ها حساب می‌دهند، نمی‌توانند پول خود را مستقیماً به وزارت‌خانه‌های حکومت افغانستان بدهند، اما این کشورها می‌توانستند و می‌توانند به روش هند عمل کنند و پروژه‌ها را با یک شرکت معتبر قرارداد کنند و بعد خود از کار این شرکت نظارت کنند و وقتی پروژه به بهره‌برداری رسید، آن را به حکومت افغانستان بسپارند. می‌پذیریم که حفظ و مراقبت از پروژه‌های به بهره‌برداری رسیده و ناتوانی‌هایی که دولت افغانستان در این زمینه دارد، نگرانی مشروع است. مردم افغانستان هم حق دارند که در مورد حفظ و مراقبت از سد سلما، نگران باشند. نهادها و وزارت‌خانه‌های افغانستان، سابقه‌ی خوبی در حفظ و مراقبت از پروژه‌ها ندارند، اما کشورهای کمک‌کننده می‌توانند ظرفیت نهادهای دولت را برای حفظ و مراقبت از تاسیسات مهم تقویت کنند. حکومت افغانستان هم مسوولیت دارد که ظرفیت‌های خودش را در حفظ و نگهداری از پروژه‌ها تقویت کند.

ما کشور فقیری هستیم. هیچ نهادی در افغانستان ظرفیت طراحی یک پروژه‌ی مهم را ندارد. اگر نهادی بتواند پروژه‌های را طراحی کند، ظرفیت‌های تخنیکي و انسانی تطبیق آن را ندارد. همچنان پول در اختیار ما نیست، به همین دلیل است که باید طرح، پول و ظرفیت‌های تخنیکي و انسانی تطبیق پروژه باید از بیرون بیاید. پروژه‌های زیاد بازسازی در این سال‌ها در افغانستان تطبیق شده است. اما هیچ کدام به اندازه‌ی پروژه‌ی سلما، موفق و موثر نبوده است. سلما یگانه پروژه‌ی زیربنایی و موثر اقتصادی است. کشورهای دیگری که به افغانستان کمک می‌کنند یا در نظر دارند کمک کنند، بهتر است که خود پروژه را طراحی، قرارداد و تطبیق کنند و وقتی به بهره‌برداری رسید آن را به دولت افغانستان بسپارند. (پایان مقاله با تشکر از روزنامه وزین 8 صبح)

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

## تبصره:

واضح است که افغانستان طی چند دهه تعداد زیاد از شخصیت های مسلکی و با تجربه خود را در اثر جنگها و مصیبت های وارده بر کشور از دست داد: عده ای توسط رژیم های خونخوار به شهادت رسیدند، عده ای مجبور به مهاجرت شدند و مثل برگ های خزانی دچار طوفان و سرمای روزگار گردیدند و در کنجی هجرت عاطل و نظاره گر اوضاع شدند و نیز دست اجل بعضی را با خود برد و تعداد در انتظار فرا رسیدن روز موعود اند. ولی با آنها ما در دیار هجرت هنوز کسانی را داریم، بخصوص از نسل جوان که میتوانند در ساحات مسلکی همکار شوند. متأسفانه شرایط در این 15 سال اخیر طوری بوده که بعضی ها فرا خواندن و بکار گماشتن همچو اشخاص مسلکی افغان را از هجرت به اصطلاح "خار چشم" خود دانسته، نه تنها در استفاده مسلکی از آنها اقدام نکردند، بلکه کوشیدند آنها را عمداً از صحنه دور ساخته و بدست فراموشی بسپارند تا خود شان بتوانند به راحتی به تداوم قدرت و زراندوزی بدون دغدغه و بالا بینی بپردازند.

برنامه جلب و جذب مغزها باید یکی از اقدامات اولیه حکومت بعد از 2001 می بود و زمینه سازی و مهیا ساختن شرایط برای اینکار یکی از ضروریات محسوب می شد که با هزار تأسف حکومت کرزی از آن اغماض کرد. ضرور نیست که شخصیت های مسلکی را باید با "غسل تعمید" نخست سیاسی ساخت و در خم رنگریزی دستگاه انداخت و پس از تغییر رنگ به آنها مقام داد و مشاور اکبر و اصغر مقرر کرد، بلکه میتوان آنها را اقلأ در یک تیم مسلکی شامل ساخت و یا نظر آنها را از دور به موضوعات مسلکی جلب نمود. متأسفانه مقامات افغان تا هنوز نمیدانند که به چه تعداد، در کدام رشته ها و در کدام کشور ها افغانهای مسلکی و تحصیل کرده وجود دارند.

در سال 2007 که آقای کرزی برای کاندید شدن دور دوم ریاست جمهوری خود را آماده می ساخت، نامه مفصلی خدمت شان نوشتم و بر موضوع جلب و جذب مغز ها تأکید کردم، اما گوش شنوا نبود و یا نمیخواست به جز همان چند نفر دستوری و معرفی شده از بیرون در کنفرانس بن، کسانی دیگر را در جمله اشخاص مسلکی در کشور راه دهد. سال 2006 در کابل یکبار با مشاور ارشد و همه کاره امور اقتصادی آنوقت آقای داکتر اسحق نادری صحبت کردم و موضوع جلب و جذب مغز ها را با ایشان مطرح نمودم، در جواب برایم گفت که: «اینکار مربوط خود افغانها است که بیایند و برای کشور خود خدمت کنند، کار حکومت نیست». با این نظر شان موافق نبودم و اصرار کردم که حکومت باید یک پالیسی مشخص در زمینه داشته باشد و بکوشد از نیروی بشری مسلکی افغان در خارج استفاده کند و برای اینکار باید زمینه سازی لازم صورت گیرد، ولی به حرف ملای غریب کس گوش نداد و امروز که از آن تاریخ ده سال میگذرد هنوز هم ما از ناحیه کمبود ظرفیت های مسلکی افغان در کشور رنج می بریم. (برای مطالعه متن مکمل این نامه سرگشاده به لینک ذیل کلیک

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/kazem\\_dr\\_said\\_abdullah\\_namaye\\_sarkoshada.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_dr_said_abdullah_namaye_sarkoshada.pdf)

اکنون باز هم این مشکل حل نشده است و پرسیده میشود که آیا در میان افغانهای تحصیل کرده فقط یک نفر دانشمند بود که رئیس جمهور آقای داکتر اشرف غنی به حیث مشاور ارشد خود ایشان را گماشتند؟ همانطوریکه امروز محترم آقای داکتر همایون قیومی در امور مسلکی به ریاست جمهوری مشوره مفید

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

و با ارزش میدهد، اگر همینطور حکومت بالای دیگر دانشمندان و متخصصین افغان مقیم خارج اعتماد کند، نه از نظر دوستی و شناخت های شخصی، بلکه فراتر از این معیار فقط به حیث یک افغان مسلکی در ساحات تخصصی از آنها دعوت گردد و برای شان موقع خدمت داده شود، آنها میتوانند مثل داکتر قیومی مصدر خدمت به کشور خود شوند. متأسفانه این 15 سال را که دوره طلایی برای افغانستان بود، زعمای کشور به گفته همان شعر مشهور «دوبی تیر کر په واه واه» گذشتاندند و امروز ما میخواهیم که دیگران مثل بند سلما باز هم برای ما لقمه ها را تیار کرده و با دستان خود به دهن ما کنند و حتی شاید از آنها بخواهیم که جویده و بعد نوش جان ما کنند، زیرا هنوز هم دستان ما درحنای گذشته بسته است. (پایان تبصره)

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ